



چرا آمریکا دست به تخریب توافق هسته ای می زند؟

اقدام روز گذشته وزارت خزانه داری آمریکا با هماهنگی وزارت خارجه این کشور و کاخ سفید در اعمال تحریم های ظالمانه و در تعبیری دیگر، تخریب توافق اولیه ژنو را نمی توان فارغ از سایر مسائل منطقه ای تاثیرگذار بر پرونده هسته ای ایران دید.

جام جم آنلاین تحلیل می کند:

چرا آمریکا دست به تخریب توافق هسته ای می زند؟

اقدام روز گذشته وزارت خزانه داری آمریکا با هماهنگی وزارت خارجه این کشور و کاخ سفید در اعمال تحریم های ظالمانه و در تعبیری دیگر، تخریب توافق اولیه ژنو را نمی توان فارغ از سایر مسائل منطقه ای تاثیرگذار بر پرونده هسته ای ایران دید. به گزارش جام جم آنلاین، شدت تناقض های ذکر شده در توجیه این اقدام و تلفیق سفسطه آمیز مسائل مختلف مانند اتهام حمایت از تروریسم و هدف قرار دادن برنامه موشکی در این اقدام آنقدر عیان بود که عملا استنباط نتیجه ای جز تلاش غرب برای وارونه کردن میز مذاکرات و به هم زدن قواعد بازی از آن، امکانپذیر نیست.

در همین راستا، آمریکا روز جمعه اعلام کرد تحریم های جدیدی را علیه 26 شرکت، بانک، موسسه، نفتکش و شهروند ایرانی اعمال می کند.

این تحریم ها تنها مرتبط با برنامه هسته ای نیست و دولت آمریکا در بیانیه های هماهنگ کاخ سفید، وزارت خزانه داری و وزارت خارجه، مدعی شده است که ایران از تروریسم حمایت می کند و در توضیح آن، به حمایت تهران از دولت قانونی "بشار اسد" رئیس جمهوری سوریه در جنگ علیه شورشیان و گروههای تکفیری و تروریستی استناد کرده است. این تحریم ها همچنین اشخاص و موسسات مختلف از جمله چند موسسه مالی و بانکی و حتی، چند نفتکش را هدف قرار داده اند که بنا به ادعای واشنگتن، تحت نظارت مقام های ایران در زمینه توسعه برنامه موشکی و دفاعی کشورمان فعالیت می کنند.

وزارت خزانه داری آمریکا در گزارشی که در پایگاه اینترنتی خود منتشر کرده، فهرست اشخاص و شرکت های مشمول تحریم های جدید را به تفصیل نوشته است.

نکات قابل تامل در تلفیق اتهام با موضوع مذاکره

هر چند عهد شکنی و مانع تراشی از سوی دولت آمریکا در مذاکرات هسته ای با توجه به سابقه این کشور دور از انتظار نبود، اما این اقدام با توجه به دو نکته، سوال برانگیز شده است.

اول اینکه توافق اولیه ژنو به اذعان خود مقام های آمریکایی، سازنده و گامی به جلو برای حل و فصل مناقشه چند دهه ای ایران و غرب بود و بنابراین، چنین اقدامی بیش از آنکه توجیهی منطقی داشته باشد، رنگ و بوی اقدامی شتابزده و حاکی از نگرانی ها یا اولویت های جدید دیگر در سیاست خارجی آمریکا دارد. در غیر این صورت، اقدام آمریکا برای تخریب توافق اولیه، با هیچ منطقی سازگار نیست.

ضمنا فراموش نکنیم که متن توافق اولیه ژنو که به امضای همه طرف های 1+5 رسیده است، تصریح می کند: «از این پس، هیچ تحریمی علیه ایران در ارتباط با برنامه هسته ای ایران اعمال نخواهد شد.» به همین دلیل، اقدام اخیر آمریکایی ها عملا در تناقض با برنامه اقدام مشترک است و از این منظر نه تنها می توان گفت که تحریم های جدید آمریکا با روح توافق ژنو در تعارض است بلکه باید گفت نقض مسلم نص توافق است.

دوم اینکه حجم و تعداد زیاد اشخاص حقیقی و حقوقی تحت تحریم های جدید (8 شهروند، 20 شرکت و 6 نفتکش) که به نظر می رسد با تعدد اتهام ها و موضوعات مستحق مجازات از دیدگاه آمریکایی ها در ارتباط باشد (یعنی تحریم کردن به بهانه همکاری این افراد و شرکتها در توسعه برنامه هسته ای ایران و طرح دو موضوع حاشیه ای تلفیقی اما جنجال ساز دیگر با آن یعنی اتهام حمایت ایران از تروریسم و افزودن برنامه موشکی و فعالان آن به دایره تحریم ها)، همگی، حاوی یک پیام آشکار است و آن این است که واشنگتن قصد ندارد مساله هسته ای ایران را مستقل از سایر مسائل (به ویژه در بعد منطقه ای آن) ببیند و اگر لازم باشد می تواند دایره تحریم و فشار علیه ایران را آنقدر باز کند که جمهوری اسلامی چاره ای جز همگرایی کامل با سایر دغدغه های سیاست خارجی آمریکا نداشته باشد. به نظر می رسد این اساس منطق مذاکراتی غربی ها به سرکردگی آمریکا با ایران است.

غایت تحریم های جدید آمریکا

پرسش این است که چه اتفاقی افتاد آمریکا چنین لجام گسیخته در تعامل با موضوعی که توافق اولیه درباره آن حاصل شده بود، عمل کرد؟!

صرف نظر از موضوع برنامه موشکی که آمریکایی ها از ماه ها پیش زمره های الحاق آن را به برنامه هسته ای ایران سر داده اند، چرا آمریکا در ادعایی بی محابا ایران را به حمایت از تروریسم متهم کرده است و با این توجیه علیه آن تحریم اعمال می کند؟!

علت این اقدام آمریکا در چارچوب دو تحول عمده اخیر منطقه ای قابل درک است.

نخست، تجاوز صهیونیست ها به غزه و پیروزی مقاومت است که ماحصل آن به ظرفیت های منطقه ای ایران سرریز می شود. از همین رو، یکی از علل مهم عهدشکنی آمریکایی ها، انجام اقدامی به نفع رژیم صهیونیستی است. صریح تر از این، می توان گفت قطعا آمریکایی ها با توجه به اهمیت ویژه رژیم صهیونیستی برای آنان و نفوذ لابی آن در سیاستگذاری آمریکا، نمی توانند ببینند که ایران در دو جبهه برنده می شود؛ جبهه مذاکرات هسته ای و جبهه ضد اشغالگری. قدر مسلم این است که اولویت آمریکایی ها در منطقه، اسرائیل است و در قرائت آمریکایی- صهیونیستی تاکید بر آن است که حتی با فرض بعید پذیرفتن ایران هسته ای از سوی غرب در قالب مذاکرات، این قدرت هسته ای باید در مرزهای خود محدود شود. به عبارت دیگر، پذیرفتن ایران هسته ای با عمق استراتژیک محازی مرزهای رژیم صهیونیستی به هیچ وجه در دیدگاه غربی ها قابل تحمل نیست.

از چنین منظری، این حربه ها علیه ایران (طرح برنامه موشکی و ادعای حمایت از تروریسم) قرار است در آینده ما به ازایی در گفتمان جدید غرب در ازای برنامه هسته ای ایران و مذاکرات جامع داشته باشد. یک پیشنهاد در این راستا قابل پیش بینی است و پیام بعدی غربی ها به نیابت از رژیم غاصب صهیونیستی به ایران، حاوی این محتوا خواهد بود: از حمایت از گروه های مقاومت و برنامه موشکی تهدید کننده (از نگاه غربی ها) دست بردارید و به برنامه محدود و تحت کنترل هسته ای خود کفایت کنید.

چنین درخواستی، قطعا با اصول، آرمانها و سیاستهای کلان جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد.

جام جم آنلاین- جواد ارشادی